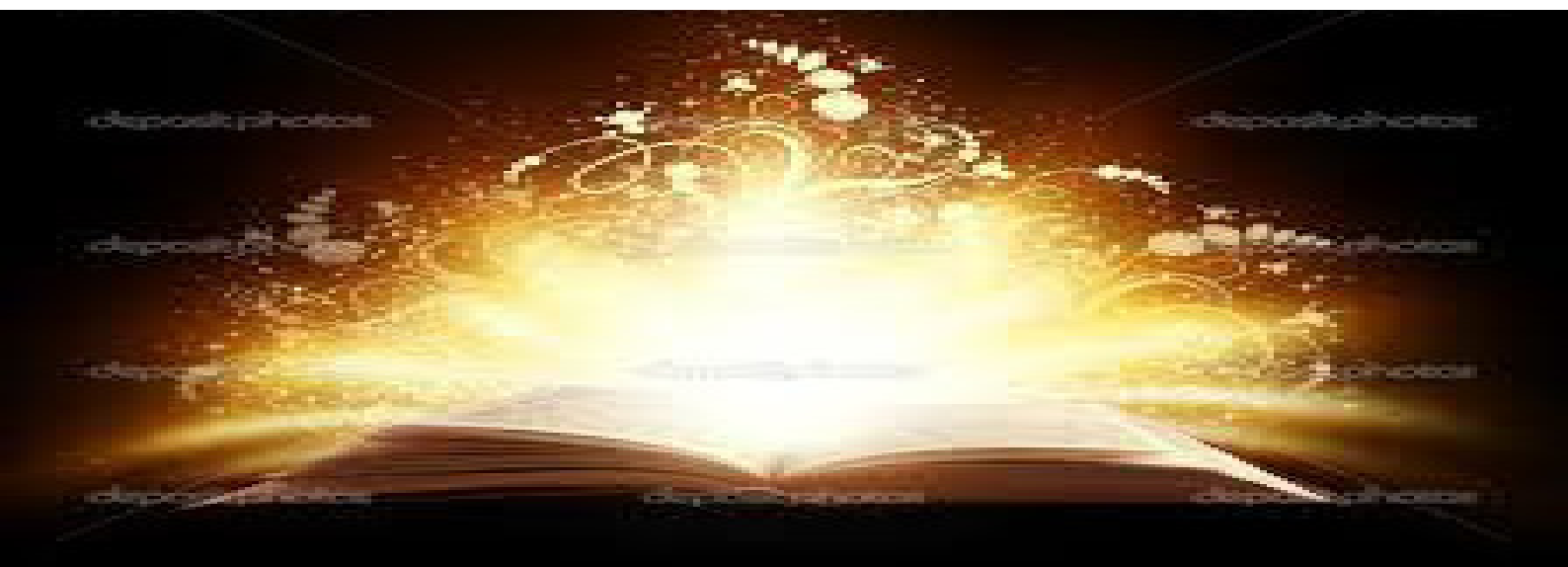




رازهای موفقیت

زن خانه به دوشی
که میلیاردر شد

موسی توماج



رازهای موفقیت

زن خانه به دوشی

که میلیارد شد

شما می توانید این کتاب را
بدون هیچگونه تغییر در محتوا و مشخصات
به اشتراک بگذارید.

نویسنده

موسی توماج

سایت زندگی رویایی

ZendegiRoyaie.com

info@zendegiroyaie.com

mtoumajiri@gmail.com

۱۳۹۴

وقتی که می شنوید کسی به موفقیت و دستاورد بزرگ یا ثروت سرشاری دست یافته است

چه عکس‌العملی نشان می‌دهید؟

اکثر مردم در چنین مواقعی چنین جملاتی به کار می‌برند:

چه خوش شانس

خوش به حالش

مردم شانس دارن

و عباراتی از این قبیل. آن‌ها طوری صحبت می‌کنند که گویی عواملی غیر از خود فرد

در موفقیت او دخیل بوده است و مهم‌ترین علت را «شانس» می‌دانند. من منکر تأثیر

عوامل بیرونی و حتی منکر شانس نیستم اما چون به قانون علیت باور دارم می‌دانم که

شانس نیز از این قانون تبعیت می‌کند و حداقل تا حدودی قابل کنترل است.

در مواجهه شدن با یک فرد بسیار موفق، اکثر افراد عوامل و عللی را که در طول سال‌ها

توسط او به کار گرفته شده و باعث به وجود آمدن نتایج عالی شده است، نادیده می‌گیرند.

در این کتاب می‌خواهم موردی را بررسی کنم که درس‌های مهمی را برای دستیابی به

روایهای بزرگ ارائه می‌کند.

دخترک خیالاتی

او دخترکی خیال‌پرداز بود. در بیشتر مواقع در اتاقش یا در میان علف‌های بلند به بازی تخیلی می‌پرداخت. والدین او به امید پرورش قدرت تخیل فرزندشان از همان کودکی خواندن کتاب را برای او را آغاز کردند. او دائماً برای خواهر کوچک‌ترش داستان‌های ساختگی تعریف می‌کرد. از شش سالگی شروع به نوشتن داستان کرد. عاشق نوشتن بود و هرچه را که به ذهنش می‌رسید، می‌نوشت. والدینش با در نظر گرفتن علاقه دخترشان به ادبیات توصیه کردند که زبان و ادبیات فرانسه بخواند تا بتواند در آینده به‌عنوان یک منشی دو‌زبانه انگلیسی-فرانسوی با شرایط مناسبی استخدام شود.

دانشگاه را تمام کرد و در چند جای مختلف به‌عنوان منشی کار کرد. اما از هیچ‌کدام از کارهایش راضی نبود و دائم کارش را رها می‌کرد و دوباره به اجبار در جایی دیگر شروع به کار می‌کرد. همچنان به نوشتن ادامه می‌داد بدون اینکه اصلاً به فکر انتشار کارهایش باشد.

ایده جذاب

وقتی که ۲۵ سالش بود در ایستگاه راه‌آهن داخل قطار نشسته بود که ایده یک داستان جدید به ذهنش رسید. تاکنون ایده داستان‌های بسیاری به ذهنش رسیده بود و اکثر آن‌ها را هم نوشته بود. اما این یکی متفاوت بود. هیچ ایده‌ای تاکنون این قدر او را به هیجان نیاورده بود. قطار تأخیر داشت و او همچنان داخل واگن قطار نشسته بود. باید ماجراهای هیجان‌انگیزی را که به ذهنش هجوم آورده می‌نوشت اما خودکار همراهش نبود. از اینکه از کسی یک خودکار قرض بگیرد خجالت می‌کشید ولی بالاخره این کار را کرد و شروع به نوشتن ایده‌هایش کرد. در مدت چهار ساعتی که در قطار نشسته بود هر آنچه را که به ذهنش می‌رسید نوشت اما هنوز راه درازی در

پیش بود.

بحران روحی

او گاهی روی آن داستان کار می کرد. چند ماه بعد مادرش که فقط ۴۵ سال داشت، فوت کرد و بحران روحی بزرگی برایش پیش آمد. دچار ناامیدی و افسردگی شدید شد و حتی مدتی در بخش بیماران روانی به علت افسردگی و اقدام به خودکشی ناموفق بستری شد. چند ماه بعد برای رهایی از افسردگی به عنوان معلم انگلیسی به پرتغال رفت. در آنجا به مرور نوشتن را ادامه داد. مدتی بعد همان جا ازدواج کرد و یک سال بعد دخترش به دنیا آمد. چند ماه بعد از همسرش جدا شد و بیکار هم بود.

هفت سال پس از فارغ التحصیلی، او خود را یک شکست خورده واقعی می دانست، او با داشتن دختری هفت ساله، هم در ازدواجش ناکام شده بود و هم بدون شغل و منبع درآمد بود. هیچ راهی پیش روی خود نمی دید جز اینکه نوشتن را جدی بگیرد. در این دوره مدتی پیش خواهرش زندگی می کرد و مدتی بعد دوباره به تدریس زبان انگلیسی پرداخت. باوجود تدریس تمام وقت و آماده کردن درس قبل از کلاس و نگهداری از یک بچه کوچک اصلاً وقت نوشتن نداشت. باین حال از هر فرصتی برای نوشتن استفاده می کرد. درعین حال که عاشق کتابش بود گاهی از نوشتن متنفر می شد اما همچنان به نوشتن ادامه داد تا بالاخره بعد از ۵ سال نوشتن کتاب به پایان رسید.

او سه قسمت اول کتاب را در یک پوشه پلاستیکی زیبا گذاشت و برای ناشری فرستاد. آنها کتاب را همان روز پس فرستادند. ۸ ناشر چاپ اثرش را رد کردند. اما او همچنان پیگیر چاپ کتابش بود. آن قدر مداومت به خرج داد تا بعد از دو سال ناشری قبول کرد تا کتاب او را چاپ

کند.

جادوی تخیل

یکی از قابلیت های شگفت انگیز ذهن، قدرت تخیل است. برخی فلاسفه تخیل را «ملکه قابلیت های ذهنی» نامیده اند. ما در کودکی رویاپردازی نابغه هستیم. اما با بزرگسالی این توانایی سرکوب می شود. با سرکوب خیال پردازی در واقع ما به یک آدم منطقی تبدیل می شویم. به یک شهروند عادی و نرمال و قابل کنترل. اما قدرت خلاقیت خود را نیز از دست می دهیم.

صاحبان رویا نجات دهندگان جهانند.

جیمز آلن، نویسنده کتاب تو همانی که می اندیشی



در سال ۱۹۹۶ سرانجام یک مؤسسه انتشاراتی به نام «بلومزبری» چاپ کتاب «هری پاتر و سنگ جادو» را پذیرفت و جوان کاتلین رولینگ با درج نامش به صورت مخفف **جی کی رولینگ** بر روی جلد موافقت کرد تا مبادا پسرها به دلیل این که نویسنده کتاب یک زن است، از خواندن کتاب خودداری کنند. قرار شد سالیانه ۲۰۰۰ پوند بابت حق تألیف

دریافت کند. این آغاز تسخیر تخیل میلیون ها نفر در جهان توسط تخیلات زنی خانه به دوش بود. «هری پاتر و سنگ جادو» روز ۳۰ ژوئن سال ۱۹۹۷ در ۲۲۳ صفحه به چاپ رسید. انتشارات بلومزبری که در سال ۱۹۸۶ تشکیل شده بود، در سال ۱۹۹۸ یک سال پس از انتشار نخستین رمان هری پاتر ۶/۱ میلیون پوند هزینه کرد تا فعالیتش را گسترش دهد. این ناشر اینک ۱۰۰ میلیون

پوند سرمایه دارد.



۱۴ ماه بعد انتشارات اسکولاستیک آمریکا در تاریخ اول سپتامبر سال ۱۹۹۸ نسخه آمریکایی این رمان را در ۳۰۹ صفحه و با عنوان «هری پاتر و سنگ سقراط» به چاپ رساند. سهم رولینگ از فروش حق انتشار ۱۰۵ هزار پوند بود. تا آن زمان چنین رقمی هرگز به یک نویسنده کودکان پرداخت

نشده بود. اما هیچ کدام از دو ناشر از پرداخت این مبالغ پشیمان نشدند، نخستین جلد از مجموعه هری پاتر ۱۲۰ میلیون نسخه در سطح جهان فروخت و به ۶۷ زبان زنده جهان ترجمه شد. تب هری پاتر خیلی زودتر و تندتر از آنچه تصور می شد، همه گیر شد. مجموعه هفت جلدی هری پاتر به ۶۷ زبان زنده جهان ترجمه شده است و اینک می توانید تقریباً به هر زبانی، نسخه ای از هری پاتر را پیدا کنید. به این ترتیب رولینگ به یکی از پرخواننده ترین نویسندگان تاریخ ادبیات تبدیل شد.

نویسنده میلیاردی



محبوبیت ناگهانی هری پاتر، فروش کتابها، حق ترجمه ها، فروش امتیاز کتب برای فیلم و بازی های کامپیوتری و حتی امتیاز تولید تی شرت ها و وسایل و اسباب بازی های هری پاتر همه و همه باعث شد که هم

ناشران و هم خود خانم رولینگ به ثروتی عظیم دست پیدا کنند، چنان که خانم رولینگ به تنها نویسنده میلیاردی در حال حاضر جهان تبدیل شده است. تاکنون بیش از ۴۵۰ میلیون نسخه

از کتاب‌های هری پاتر به فروش رسیده است و چهار فیلم نخست هری پاتر در فهرست ۲۰ فیلم پرفروش تاریخ سینما قرار گرفته است. تمام اینها باعث شد که در سال ۲۰۰۵ سرمایه خانم رولینگ ۴ میلیارد دلار برآورد شود. چنانچه او را در انگلستان ثروتمندتر از ملکه الیزابت دوم می‌دانند. **رولینگ شناخته‌شده‌ترین و پول‌سازترین نویسنده حال حاضر جهان است.**

راز موفقیت جی کی رولینگ



کشف نبوغ ذاتی

هر یک از ما با ترکیبی از استعدادها و علایق به دنیا می‌آییم که آن من آن را نبوغ ذاتی نامیده‌ام. در مورد رولینگ این استعداد شامل قدرت تخیل، ایده‌پردازی و داستان‌سرایی می‌شد. این استعداد از همان کودکی در او به ظهور رسید. گفتیم که او

همیشه به طور خودجوش برای خواهر کوچک‌ترش قصه می‌گفت. پدر و مادر او به قریحه او در داستان‌گویی و ادبیات پی بردند. آنها این آگاهی را داشتند که با فراهم نمودن محیطی در خانه‌شان که کتاب و کتاب‌خوانی در آن مرسوم است، این علاقه را تحریک و تشویق نمایند. یکی از ماندگارترین خاطرات رولینگ از اوان کودکی‌اش شامل تصویری است که پدرش برایش کتاب می‌خواند. جالب آنکه در این خاطره فقط خود کتاب است که به طرز کاملاً واضح و شفافیت ثبت شده که نشانگر میزان جذابیت کتاب برای اوست که بعداً در طول زندگی‌اش دائماً در حال خواندن آن و نوشتن بوده است.

والدین او همچنین با رویکردی درست او را تشویق به تحصیل در زمینه ادبیات کردند. هرچند

آنها آینده چندان درخشانی برای دخترشان متصور نبودند و به او توصیه کردند با توجه به علاقه ادبی اش بهتر است در دانشگاه در رشته زبان و ادبیات فرانسه تحصیل کند تا در آینده به عنوان یک منشی دو زبانه بتواند در جای خوبی استخدام شود.

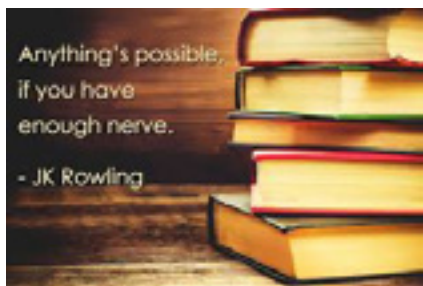
منشی خیالپرداز

تصور ذهنی والدین از آینده کودکانشان، بسیار در رشد و شکل گیری شخصیت آنها موثر است. اگر تصور والدین با علایق و استعداد کودک ناهمخوان یا متضاد باشد، معمولاً با چالش‌ها و تناقضات بسیاری در بزرگسالی مواجه می‌شود. در مورد رولینگ از لحاظ تشخیص علاقه و استعدادش این همخوانی وجود داشت اما در مورد شغل، والدین او به جایگاهی بسیار پایین تر از توان بالقوه فرزندشان بسنده کرده بودند و از آنجایی که این توقع و انتظار به فرزند منتقل می‌شود او خود نیز آن را پذیرفت و پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه به دنبال کاری جز منشی‌گری نبود که خوشبختانه! در این زمینه نیز کاملاً ناموفق بود.

رولینگ پس از تجربه منشی‌گری و عدم رضایت از همه آنها (و البته عدم رضایت همه کارفرمایانش!) بعدها به تدریس زبان پرداخت که با استعداد و علایق او سازگاری بیشتری داشت. ذهن خیال‌پرداز او به هیچ وجه با نظم و امور خشک و بی‌روح منشی‌گری سازگار نبود و این باعث شد که همان طور که خودش گفته «بدترین منشی جهان» باشد.

موانع نبوغ

رولینگ از شش سالگی همواره می‌نوشت اما تا وقتی که کاملاً در زمینه کار، کسب درآمد و



وضعیت خانوادگی شکست نخورد، به طور جدی به نویسندگی حرفه‌ای فکر نکرد. او ایده هری پاتر را که بیش از هر ایده‌ای که تا آن موقع به ذهنش رسیده بود او را به هیجان آورد، به مدت ۵ سال با خود داشت و روی آن کار می‌کرد.

نبوغ ذاتی معمولاً در مسیر رشد کودک سرکوب شده و اجازه شکوفایی نمی‌یابد. رولینگ علاوه بر آن با موانع زیادی روبرو شد. وقتی که تازه با ایده هری پاتر به هیجان آمده بود، مادرش در میان‌سال‌های درگذشت و ضربه روحی شدیدی بر او وارد شد. دچار ناامیدی و افسردگی شد. حتی اقدام به خودکشی کرد که ناموفق بود و مدتی را در آسایشگاه روانی بستری شد. چند ماه بعد از اینکه دخترش را به دنیا آورد، از همسرش جدا شد درحالی که هیچ منبع درآمدی نداشت.



هر یک از این موانع شاید کافی است تا فرد پیگیری علاقه قلبی و رویاهایش را رها کند. اما رولینگ علی‌رغم همه این مشکلات هرگز نوشتن را رها نکرد.

جادوی اشتیاق و معجزه مداومت

رولینگ اشتیاق سوزانی به نوشتن داشت. باینکه برای امرارمعاش ناگزیر به کار تدریس تمام‌وقت بود و مراقبت از

یک نوزاد همه وقت و انرژی‌اش را می‌گرفت؛ از کوچک‌ترین فرصتی برای ایده پردازی و نوشتن استفاده می‌کرد. هم در نوشتن و هم در پیگیری برای انتشار کتابش، او مداومت را که یکی از خصائل بنیادی برای شکوفایی نبوغ ذاتی است، به طرز مثال زدنی به کار گرفت.

از زمان الهام اولیه، او به مدت بیش از ۵ سال و باوجود تمام مشکلات و پیشامدهای تلخ، روی ایده‌اش کارکرد تا توانست کتاب را به پایان برساند. اما نوشتن کتاب فقط آغاز ماجرا بود.

تمسخر ناشران

هیچ ناشری حاضر به چاپ کتابش نشد. دو نفر از ناشرین، کتاب را با حالت تمسخر پس فرستادند و یکی از آنها به خانم رولینگ گفته بود که «دیگر کسی بابت این چرندیات پول و وقت خود را صرف نمی کند!» در کل ۸ ناشر کتاب او را رد کردند. اما او همچنان امیدوار بود و به نوشتن جلد های بعدی ادامه می داد و از آنجا که در مداومت نیرویی معجزه آسا نهفته است بالاخره پاداش آن را نیز دریافت کرد.

اصل ثروت آفرین نبوغ ذاتی

وقتی که با کشف نبوغ ذاتی خود و با قدرت اراده، اشتیاق و مداومت آن را به شکوفایی می رسانیم و آن را برای ارائه خدمت و ارزشی به جهان به کار می گیریم، ثروت سرشاری به سوی ما سرازیر می شود.

اکثر انسان ها تا حدودی علایق و استعداد خود را می شناسند اما فقط ۲ درصد از افراد، موفق به شکوفایی نبوغ ذاتی خود و استفاده موثر از آن می شوند. یکی از دلایل عمده این شکست، ناتوانی افراد در پیوند زدن علایق و استعدادهای خود با کسب درآمد است. این مسئله آن چنان مهم و اساسی است که من یک کتاب کامل را به این موضوع اختصاص داده ام.

کار عاشقانه

زندگی جی کی رولینگ یک نمونه عالی از تحقق اصل ثروت آفرین نبوغ ذاتی است. هرچند این اصل در مورد ثروتمندترین اشخاص جهان مثل بیل گیتس تا بسیاری از ثروتمندان ناشناخته نیز صادق است. همه آنها به کاری مشغول اند که مطابق نبوغ ذاتی آنهاست و از طرفی برایشان

مثل یک بازی و تفریح است. آنها در زمینه‌ای فعالیت می‌کنند که به آن عشق می‌ورزند.

همین علاقه و اشتیاق است که باعث می‌شود در کارشان

غرق شوند و با درک عمیق زمینه کاری‌شان مرزهای آن

را پشت سر گذاشته به دستاوردهای بزرگی برسند که

گاهی تأثیری جهانی دارد و طبیعی است که منجر به

خلق ثروتی رویایی نیز می‌گردد.

بر خلاف مردم عادی، آنها هیچ‌گاه روی پول تمرکز نمی‌کنند. آنها کاری را که دوست دارند

انجام می‌دهند و پول نتیجه‌ثانوی این شیفتگی است. آنها بر کارشان تمرکز می‌کنند و آن قدر

آن را خوب انجام می‌دهند که مردم نیز حاضر می‌شوند پول خوبی بابت آن بپردازند.

رولینگ نیز تمام تمرکزش را روی نوشتن گذاشت. قرارداد سالانه او برای کتاب اولش فقط

۲۰۰۰ پوند بود. اما باین حال این مبلغ به او این آزادی را داد که بتواند تماماً بر نوشتن متمرکز

شود. او عاشق داستان‌پردازی و نوشتن بود و لذتی که از این طریق کسب می‌کرد بسیار عمیق

و رضایت‌بخش بود و کسب ثروت سرشار آن لذت و رضایت را کامل‌تر کرد. از طرفی اگر او

نمی‌توانست از طریق نوشتن کسب درآمد کند، در زندگی روزمره با مشکلات

فراوانی مواجه می‌شد و این مشکلات مالی نه تنها زندگی را بر او سخت می‌کرد بلکه مانع

بزرگی برای پرداختن به کار مورد علاقه‌اش محسوب می‌شد.

بنابراین بسیاری ضروری است که بتوانیم با انجام کاری که در آن استعداد و به آن علاقه داریم

یعنی با شکوفایی نبوغ ذاتی مان به استقلال و آزادی مالی نیز دست‌یابیم. شکوفایی نبوغ ذاتی

علاوه بر اینکه می‌تواند ثروتی سرشار را برآید به ارمغان آورد در رشد شخصی و خودشکوفایی

ما نیز نقشی اساسی دارد و زندگی مان را از هر لحاظ غنی تر خواهد ساخت.

خلاصه کتاب:

- شما دارای استعداد و نبوغی ذاتی هستید.
- خود را بشناسید و علاقه و نبوغ ذاتی خود را کشف کنید.
- نبوغ ذاتی خود را شکوفا کنید.
- با مداومت بر موانع پیش رو غلبه کنید.
- هرگز پیگیری علایق و رویاهای خود را رها نکنید.
- نبوغ ذاتی خود را برای ارائه خدمت و ارزشی به جهان بکار بگیرید.
- شیوه پیوند زدن نبوغ ذاتی خود با کسب ثروت (اصل ثروت آفرین نبوغ ذاتی) را آموخته و اجرا کنید.
- با شکوفایی نبوغ ذاتی و ارائه خدمتی عالی به جهان، ثروتی سرشار به دست آورده و زندگی خود را از هر لحاظ غنی تر کنید.

من به تلاش زیاد و شانس اعتقاد دارم، و اولی اغلب منجر به دومی می شود.

جی. کی. رولینگ

رازهای موفقیت

زن خانه به دوشی

که میلیاردر شد

نویسنده

موسی توماج

سایت زندگی رویایی

ZendegiRoyaie.com

info@zendegiroyaie.com

mtoumajiri@gmail.com

۱۳۹۴